



## مفهوم‌شناسی جمال و جلال در معماری اسلامی از دو دیدگاه ادراک و تجلی

محمدعلی سیستانی هنزافی<sup>۱</sup>، آزاده شاهچراغی<sup>۲\*</sup>، حمید ماجدی<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکترای معماری، گروه معماری، دانشکده عمران، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی تهران، تهران، ایران.  
mohamad.sistani@gmail.com

\*۲. نویسنده مسئول) گروه معماری، دانشکده عمران، معماری و هنر، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.  
shahcheraghi@sbiau.ac.ir

۳. گروه شهرسازی، دانشکده عمران، معماری و هنر، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.  
majedi\_h@yahoo.com

### چکیده

بحران هویت و فقدان مبانی نظری مشخص در ساخت بناهای مذهبی که ریشه در معانی عمیق اندیشه اسلامی داشته باشد، یکی از چالش‌های معماری امروز ایران است. فقدان آن که نه تنها در فرآیند آفرینش معماری که در شناخت و مداخله در بناهای گذشته نیز نتایج نامطلوبی به بار آورده می‌آورد. لذا انجام گرفتن تحقیق بیشتر در رابطه با مفاهیمی چون جمال و جلال که هم در ماهیت و هم در ادراک، قابل بازشناسی هستند لازم است. با توجه به اینکه مفاهیم جمال و جلال همواره ذیل مفهوم زیبایی بررسی شده‌اند، ابتدا یک چارچوب نظری مشخص، بیانگر دو دیدگاه متفاوت درباره مفهوم زیبایی تدوین شده است. در ابتدا مقولات زیبایی‌شناختی که مفاهیم جمال و جلال مستخرج از آن‌ها تعریف شده‌اند، در گام بعدی مورد تدقیق قرار گرفته‌اند. سپس مفهوم‌شناسی جمال و جلال ذیل دو گانه دست آمده از چارچوب نظری، انجام پذیرفته است. این بخش از مفاهیم کیفی و مباحث نظری محض آغاز شده و در نهایت به نتایج کمی و کیفی در معماری پرداخته است. در انتها، پارامترهای مشخصی مطرح شده است که از سویی مشخص می‌کنند، دو واژه جمال و جلال تجلی چه صفاتی بوده و چه تأثیری بر مخاطب می‌گذارند. تحقیق پیش رو در نظر دارد تا هر بیشتر به جنبه‌های کاربردی نزدیک‌تر گردد. مقاله مورد نظر در دسته تحقیقات توصیفی و تحلیلی است. ضمن اینکه روش تحقیق با توجه به استفاده از آثار و بناهای مورد استفاده مربوط به گذشته از روش تحلیلی- تاریخی بهره برده است. گردآوری اطلاعات در حوزه‌ی تئوری با مطالعات کتابخانه‌ای و با ابزار فیش برداری، انجام شده است.

### اهداف پژوهش:

۱- تبیین جایگاه مفاهیم جمال و جلال، در رویکردهای متفاوت به زیبایی‌شناسی اسلامی

۲- مطالعه روند تحقق مفاهیم جمال و جلال در معماری اسلامی

### سوالات پژوهش:

۱. با استفاده از چه رویکردهایی مفاهیم جمال و جلال ذیل مفهوم زیبایی در اندیشه اسلامی قابل تبیین است؟

۲- مفاهیم جمال و جلال چگونه در معماری اسلامی محقق می‌شوند؟

### اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۳۸

دوره ۱۶

صفحه ۲۱۱ الی ۲۲۹

تاریخ ارسال مقاله: ۱۳۹۸/۰۸/۲۴

تاریخ داوری: ۱۳۹۸/۱۱/۰۵

تاریخ صدور پذیرش: ۱۳۹۹/۰۱/۲۵

تاریخ انتشار: ۱۳۹۹/۰۶/۰۱

### کلمات کلیدی

زیبایی، تجلی، ادراک، جمال، جلال.



DOR:

<https://dori.net/dor/20.1001.1.1735708.1399.16.38.13.6/>

### ارجاع به این مقاله

سیستانی هنزافی، محمد علی، شاهچراغی، آزاده، ماجدی، حمید. (۱۳۹۹). مفهوم‌شناسی جمال و جلال در معماری اسلامی از دو دیدگاه ادراک و تجلی. هنر/اسلامی، ۱۶ (۳۸)، ۲۱۱-۲۲۹.



[dx.doi.org/10.22034/IAS.2019.198634.1005/](https://dx.doi.org/10.22034/IAS.2019.198634.1005/)



### ۱. مقدمه

فقدان مطالعات مدون چه در فرآیند آفرینش معماری و به‌طور خاص در خلق بناهای مذهبی و چه در بازشناسی آثار گذشتگان، مسئله‌ای است که از یک‌سو منجر به ساخت بناهایی عاری از معانی ژرفِ برخاسته از تفکر اسلامی شده است. از سوی دیگر مداخله‌هایی بدون شناخت درست و کافی در میراث معماری پیشینیان رخ می‌دهد که اصالت و روح آن فضاها را از بین برده است. این مسئله از دو زاویه قابل تأمل است، نخست اینکه بناهای ساخته شده یا بناهایی تاریخی که مورد مداخله قرار می‌گیرند، هر دو باید واجد چه مفاهیمی باشند و دوم اینکه مفاهیم مورد نظر منجر به چه تأثیراتی در مخاطب می‌شوند. مساجد، آرامگاه‌ها و بقعه‌ها مهمترین بناهایی هستند که در این فقدان، روح و اصالت خود را از دست می‌دهند. براساس مطالعات انجام گرفته «جمال و جلال» از مهمترین مفاهیمی هستند که در این فرآیند ساخت و بازشناسی مورد اغماض قرار گرفته است. بنابراین، مقاله حاضر بر آن است تا این مفهوم را مورد مطالعه قرار دهد. فرضیه مورد نظر اذعان می‌کند که مفاهیم جمال و جلال به‌مثابه تجلی صفات حق تعالی به واسطه مؤلفه‌های کالبدی مشخص و تأثیرات ادراکی متغیر در معماری امکان تحقق و بروز پیدا کرده‌اند.

در خصوص مفاهیم جمال و جلال در عرصه هنر و ادب تاکنون آثار متعددی به صورت پراکنده به رشته تحریر درآمده است. در مطالعه سوابق موضوع، تألیفات ابن عربی به ویژه در کتاب فتوحات مکّیه، جمال و جلال را ذیل مفهوم تجلی شرح داده است (ر.ک. ابن عربی، ۱۹۷۵). این اثر همواره به عنوان مهمترین منبع، مورد استفاده پژوهشگران این حوزه است. در حوزه مفهوم‌شناسی، راهب عارف، میناآباد (۱۳۹۱) در مقاله «صفات جمال و جلال از منظر کلام و عرفان اسلامی» فارغ از وجه هنری و زیبایی‌شناختی مفاهیم جمال و جلال، تنها به واژه‌شناسی، اصطلاح‌شناسی و تبیین و تفسیر مفاهیم جمال و جلال پرداخته است و آنها را در بستر قرآن، تفاسیر، متون اسلامی و در نهایت عرفان اسلامی؛ کاوش نموده است (عارف میناآباد، ۱۳۹۱: ۹۲-۱۱۷). زهرا رهنورد (۱۳۸۶)، در مقاله‌ای با عنوان: «جلوه جمال و جلال در نگارگری و بازتاب آن در موجودات اهریمنی و مخوف»، مفاهیم جمال و جلال را در نگارگری ایرانی را براساس نظریه تجلی ابن عربی بررسی کرده است. بر این اساس که همه چیز به‌عنوان آئینه حق؛ زیبا انگاشته شده است، آن دو را بدون یکدیگر متصور ندانسته‌اند. جلال که تجلی هیبت و خشم و خشونت است با صورت‌های جمالی تصویر شده است و به‌صورتی زیبا ظاهر می‌شود. با استفاده از تعابیر متناقض‌نمایی همچون دیوان خوش منظر، ماران نیکو چهره، قاتلان منزّه و اژدهایان خوش سیما (رهنورد، ۱۳۸۶: ۸۷-۹۵).

مهناز شایسته‌فر (۱۳۸۵) در مقاله «جلال در جمال، تأثیر سیره پیامبر بر هنر نگارگری و معماری»، هنر اسلامی را هنری مجرد می‌داند که حاوی نماد است و در مقابل تجسم‌گرایی قرار دارد و معانی والای روحانی را انتقال می‌دهد. معماری و خوشنویسی را بیشتر واجد معانی عرفانی و والا می‌داند که با رمزگرایی و انتقال معانی از طریق نمادهای تصویری، این مهم صورت می‌پذیرد (شایسته‌فر، ۱۳۸۵: ۱-۳). در حوزه زیبایی‌شناسی، تألیفات «حکمت الله ملاصالحی» سرآغازی بر این موضوع در هنر و معماری است. وی مفاهیم جمال و جلال را تحت عنوان مقولات استحسانی (زیبایی-شناسانه) در نوشته‌های بسیاری شرح داده است و این دو مفهوم را در ردیف مقولات زیبایی‌شناختی چون ظرافت، لطف، زشتی، ملاحظت، تراژیک و کمیک قرار داده است. مقاله‌هایی همچون: «مفاهیم جمال و جلال در هنرهای تجسمی» (۱۳۷۳)، «جمال و جلال در هنر (۱۳۷۳)، «معماری و صور جلالی» (۱۳۷۵)، «صور جلالی در معماری اسلامی ایران» (۱۳۷۷)، «مقوله زیبایی‌شناختی ظرافت و برخی از صور آن در هنر دوره صفویه» (۱۳۸۵)، که در آنها

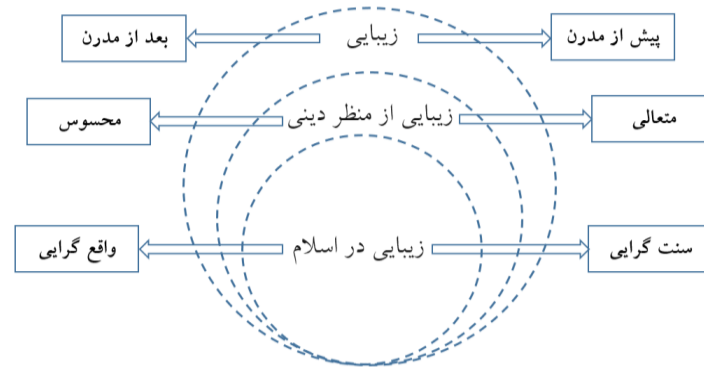
به تبیین کیفیات عینی و کالبدی و تأثیرات ادراکی مفاهیم جمال و جلال با ذکر مصادیق در انواع هنرها، پرداخته است.

ندا سلیمیان در پایان‌نامه «تجلی صفات جلالیه و جمالیه‌ی خداوند در نقوش مسجد جامع عباسی اصفهان» (۱۳۹۱) ضمن بررسی مفهوم صفات جلالیه و جمالیه خداوند از دیدگاه قرآن، فلسفه و عرفان، تجلی آن‌ها را در نقوش مسجد کاوش نموده است. نقوش هندسی بیانگر صفات جلالیه خداوند و نقوش اسلیمی بیانگر صفات جمالیه‌ی خداوند است. خوشنویسی کتیبه‌ها نشان‌دهنده‌ی صفات جلالیه و جمالیه است. همان‌طور که صفات جلال و جمال خدا با یکدیگر هماهنگی دارند و لازم و ملزوم یکدیگرند، این ویژگی در نقوش هندسی و اسلیمی نیز به تجلی در آمده است (ر.ک. سلیمیان، ۱۳۹۱). سمانه جعفرمحمدی و مجتبی انصاری (۱۳۹۴) در مقاله «زیبایی‌شناسی (کمال و جمال) در معماری» ضمن بسط مفهوم زیبایی و بررسی آن در مکاتب مختلف فکری اسلامی و بحث در مورد زیبایی‌شناسی در معماری، در نهایت به زیبایی جمالی و جلالی در معماری می‌رسند. در این مقاله تأکید می‌شود که منبع زیبایی خدا است، خداوندی که صاحب جلال و اکرام است و در عین حال جمیل است و زیبایی را دوست دارد. معمار مسلمان با آگاهی از این موضوع، طرح خود را بر پایه جمال، جلال و در نهایت کمال؛ بنا می‌نهد. نقوش و تزئینات از نمادهای جمالی‌ند. در حالی که کشش و ابعاد سطوح و کمپوزیسیون احجام، جلال را نشان می‌دهند (ر.ک. محمدی و انصاری، ۱۳۹۴: ۱-۵).

حمزه‌نژاد و خراسانی‌مقدم (۱۳۹۱) در مقاله «گونه‌شناسی مزارهای اسلامی در ایران، بر اساس مفاهیم قدسی تشبیه، تنزیه، جمال و جلال» با تدوین معیارهایی از قبیل نقش فضای درونی در پذیرش زائر، نوع مصالح و سلسله مراتب فضایی، مزارها را به سه دسته تشبیهی-جمالی، تنزیهی-جلالی، ترکیبی جمالی-جلالی و تشبیهی-تنزیهی (میانه آن دو) تقسیم نموده‌اند. مزایای جمالی کیفیاتی همچون مصالح فاخر و متنوع، تزئینات زیاد، گچبری، آئینه کاری، طلاکاری، نقاشی و کاشی هفت رنگ دارند و حس عطوفت، مهربانی، صمیمیت و وابستگی را ایجاد می‌کنند. در مقابل مزارهای جلالی واجد ویژگی‌هایی همچون سادگی، عدم سلسله مراتب فضایی، تنوع حداقلی مصالح، حداقل تزئینات، بافت زبر و مات، آجرکاری ساده و کاشی کاری کلی هستند و احساس صلابت، هیبت و ترس را در مخاطب ایجاد می‌کنند (حمزه‌نژاد و خراسانی، ۱۳۹۱: ۱۰۹-۱۲۸). در مقاله خوش‌کلام و حمزه‌نژاد (۱۳۹۱) با عنوان «زیبایی‌شناسی مساجد در بستر سبک‌ها، از جلال تا لطافت» موضوع جمال و جلال در شیوه‌های معماری ایران بعد از اسلام تا دوره معاصر بررسی شده است. نظم هندسی، تعادل، تقارن و دقت در جزئیات، به عنوان ویژگی‌های بناهای جمال‌گرا تعریف شده‌اند که تأثیر ادراکی آنها بر آرامش، خرسندی، تحسین و انس با مخاطب بیان شده است. از سوی دیگر، غلبه معنا بر صورت، ترکیب پیکر وار، عظمت و سطوت، پویایی، وزانت و مقیاس شکنی، از جمله کیفیات جلالی بنا هستند که حس استواری و بالندگی، خشیت توأم با احترام، عشق به بقا و ابدیت و میل به بیکرانگی را در مخاطب ایجاد می‌کنند. بر مبنای این مقاله، شیوه خراسانی؛ جمالی، رازی؛ جمالی-جلالی، آذری؛ جلالی، اصفهانی؛ جمالی و معاصر؛ تلفیقی هستند (خوش‌کلام و حمزه‌نژاد، ۱۳۹۱: ۱-۱۱). با این تفاسیر باید گفت: مطالعه و واکاوی دقیق جمال و جلال در هنر نیازمند دستیابی به یک مدل مشخص و منسجم است، پژوهش حاضر در صدد است تا ضمن بهره‌مندی از پژوهش‌های پیشین، برای تبیین موضوع در دو قالب مشخص ادراک و تجلی، بر آن است تا موضوع جمال و جلال در معماری را یک گام به پیش برده و معیارهای مشخصی که مستخرج از این دو مسیر است، ارائه دهد.

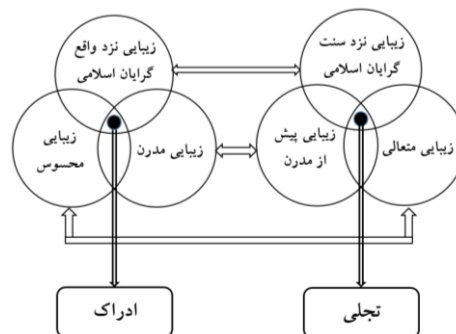
## ۲. رویکردهای مربوط به زیبایی‌شناختی

برای تدوین یک چارچوب نظری قابل اتکا، در این بخش تنها به جنبه‌های محدودی از موضوع زیبایی پرداخته می‌شود که در تبیین مقولات جمال و جلال کاربرد دارند و دامنه پوشش آن، تنها بخش بسیار کوچکی از موضوع زیبایی است. برای این مهم سه رویکرد دوگانه به زیبایی انتخاب شده‌اند که به رغم خاستگاه‌های متفاوت، در بسیاری موارد می‌توان آنها را متناظر با یکدیگر دانست. این سه رویکرد عبارتند از: زیبایی پیشامدرن و پسامدرن، زیبایی متعالی و محسوس و زیبایی نزد سنت‌گرایان و واقع‌گرایان.



نمودار ۱: رویکردهای دوگانه به زیبایی (منبع: نگارندگان)

این سه رویکرد غالب به رغم تفاوت‌های ماهوی، دوگانه‌هایی متناظر و دارای وجوه مشترک و همپوشانی بسیار هستند. هنر قبل از مدرن، هنر متعالی و هنر نزد سنت‌گرایان اسلامی (که گزاره‌هایی متفاوت ولی دارای اشتراکات بسیار هستند)، در جستجوی ریشه‌های معنایی و مفاهیم نهفته در اثر هستند. هنر مدرن، هنر محسوس و هنر نزد واقع‌گرایان اسلامی به عنوان نقطه مقابل گزاره‌های قبلی، زیبایی را امری ادراکی می‌دانند. مهمترین وجهی که از اشتراک سه گزاره اول استخراج می‌شود مفهوم «تجلی» است و وجه مشترک سه گزاره دوم مفهوم «ادراک» است. در رویکردهای اول، زیبایی «تجلی» امری متعالی و حقیقتی ازلی است که از جهان معنا به جهان صورت؛ متعین و متجلی گشته است اما در رویکردهای دوم، زیبایی شأن وجودی دارد که ملموس، عینی و قابل شناخت، همراه با قوای ادراکی است.



نمودار ۲: استخراج وجه مشترک سه رویکرد دوگانه به زیبایی (منبع: نگارندگان)

بنابراین سه گانه «قبل از مدرن و مدرن»، «متعالی و محسوس» و «سنت‌گرایی و واقع‌گرایی» به دو رویکرد کلی «تجلی»-محور و «ادراک»-محور می‌رسد. زیبایی و مقولات زیبایی‌شناختی همچون مفاهیم جمال و جلال ذیل این دو دیدگاه کلی، قابل تبیین هستند. نخست آنکه واجد چه معانی و مفاهیمی هستند که در معماری «متجلی» می‌شود و دوم اینکه چه تأثیری بر نظام ادراکی مخاطب می‌گذارند. در مطالعه ادبیات موضوع، به‌ویژه در رویکرد سنت‌گرایان، جمال و جلال به طور مشخص و متقن، ذیل مفهوم تجلی آورده شده‌اند، به‌طوری‌که واژگان جمال و جلال هرگز بدون واژه تجلی به کار نرفته‌اند. از سوی دیگر جمال و جلال از دیدگاه ادراکی و تأثیرات آن بر انسان نیز مورد نظر پژوهشگران به‌ویژه ادراک‌گرایان بوده است. بنابراین در این پژوهش، واکاوی مفاهیم جمال و جلال، در چارچوب دوگانه فوق انجام می‌گیرد.

## ۲.۲. صفات یا مقولات زیبایی‌شناختی

انسان به‌طور مداوم به داوری ذوقی جهان اطراف خود می‌پردازد و همواره احکامی برای آن‌ها صادر می‌کند. صفاتی چون مخملی، شیرین، تامل برانگیز، با شکوه، ملیح؛ مفاهیمی زیباشناختی که کیفیتی «ادراکی» دارند. این موارد تحت عنوان «مقولات»، «کیفیات» یا «صفات» زیبایی‌شناختی شناخته شده‌اند. جمال و جلال نیز نزد اندیشمندان اسلامی ذیل این تقسیم‌بندی قرار گرفته‌اند. زمانی که تحقق عینی می‌یابند، تأثیرات متفاوتی بر انسان می‌گذارند اما به دلیل داشتن ریشه‌های معنایی، تماماً ادراکی نیستند. پیشتر گفته شد که وجه مفهومی آن‌ها درون موضوع تجلی قرار گرفته است در حالی که جنبه‌های زیبایی‌شناختی آن‌ها در مفهوم ادراک قابل تبیین است.

از نظر سیبلی ویژگی‌ها یا مفاهیم نازیبا شناختی ویژگی‌هایی هستند که درک، تشخیص و به کار بردن آنها فقط نیازمند دخالت حواس و هوشی معمولی است (Sibley, 1956: 40). «قرمز، پر سر و صدا، بد طعم، خیس، مربع و منحنی»، از این نوع هستند. اما در مقابل ویژگی‌هایی مانند با وقار، آرام، تأثیربرانگیز؛ هستند که تشخیص آنها نیازمند بکار بردن ذوق، ادراک یا حساسیت است (Sibley, 2001: 1). سیبلی چنین توصیفاتی را توصیفات زیبایی‌شناختی احکام زیبایی‌شناختی، و ویژگی‌هایی که در این توصیفات به آثار هنری نسبت داده می‌شود را، ویژگی‌ها یا مفاهیم یا عبارات زیبایی‌شناختی یا ذوقی می‌نامد. برای مثال صفات متعادل، متین، تنش برانگیز؛ عباراتی زیبایی‌شناختی هستند (کاشفی، ۱۳۹۲: ۴۷). «رافائل دکلارک» صفات زیبایی‌شناختی که سیبلی در آثارش بکار برده است را در مقاله «ساختار ویژگی‌های زیباشناختی» به تفصیل بیان نموده است که در جدول زیر ارائه شده‌اند.

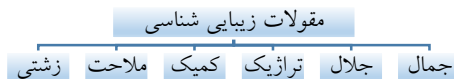
جدول ۱: جدول کلارک، صفات زیبایی‌شناختی از نظر نویسندگان و صاحب‌نظران مختلف (De Clarq 2008, 895)

نام متفکران	ویژگی‌های زیبایی‌شناختی مورد نظر
گلدمن : ارزش زیبایی‌شناختی و استیکر زیبایی‌شناختی و فلسفه هنر	زیبا، زشت، بد ترکیب، بی روح، متعادل، خوشترکیب، فشرده، خوش اخلاق، غمگین، عصبانی، شاد، آرام، قوی، ههیجان‌انگیز، سرگرم‌کننده، خنده دار، خسته‌کننده، بیحال، سرزنده، شاد، واقعگرا، بدشکل، حقیقی، پراز اشتباه، رنگارنگ، مات، آرام، سخت، درخشان، اقتباسی، اصلی، پرجرئت، جسور، محافظه کار
هرمن :	پر زرق و برق، خوش ترکیب، هماهنگ، سرزنده، عصبی، غمگین، هیجان‌انگیز، تیره، آرام، پرابهت، شاد، خوشحال، جسور، شکوهمند، عظیم، منسجم، دل‌انگیز، مرموز، زیبا، یکدست، اندوهگین، بی‌نظم، بی‌مهارت، قدرتمند، جالب توجه، متحرک

کارول : فلسفه هنر	خوش ترکیب، تیره، نگران، تیره، افسرده، زنده، جسور، موقر، متکبر، یکدست، متعادل، دقیق، آشفته، براق، بدسلیقه، پرزرق و برق، پرطمطراق، شکوهمند، زیبا، بامزه، نگران
ژانگوبیل :	زیبا، زشت، دلپذیر و مطبوع، خپل، برازنده، ظریف، متعادل، گرم و صمیمی، پرشور، نگران‌کننده، آزارنده، غمگین
لویسنون: زیبایی‌شناختی فلسفی	زیبا، زشت، شکوهمند، خوش ترکیب، باشکوه، ظریف، هماهنگ، متعادل، یکدست، قوی، علاقه داشتن، سرزندگی، پر جوش و خروش، بذله‌مو، پرشور و حرارت، پرزرق و برق، براق، ناخوشایند، مضطرب، غمگین، آرام، شاد، خشن، آرام، لاغرو ترکه‌ای، خنده دار، خیره‌کننده، سست و بی‌حال، افسرده یا مالیخولیایی، احساساتی
لویسنون: ویژگی‌های زیبایی‌شناختی	متعادل، یکدست، پویا، بی‌ثبات، امپرسیونیست، فائوویست، کوبیست، فوتوریست یا آینده‌گرا، زیبا، زشت، دوست داشتنی، شهوت‌انگیز، خپل، نا آرام، بهت آور، ظریف، نگران یا دلواپس، غمگین، ماتمزه، شاد، مطمئن یا دلگرم، خوش قلب
سیبلی: مفاهیم زیبایی‌شناختی	یکدست و متحد، متعادل، یکپارچه، بی‌روح، آرام و صاف، تیره و گرفته، پویا، قدرتمند، رنگارنگ، ظریف، متحرک، احساساتی، غم‌انگیز، خوش ترکیب و زیبا، دلپذیر، قشنگ، جذاب، خوش ساخت، خیره‌کننده و پرزرق و برق، غم‌انگیز، دقیق، دوست‌داشتنی، خوشگل، زیبا، مجلل، باشکوه، بی‌ظنیر، شکوهمند، عظیم، سست، ضعیف، بی‌رنگ و رو یا بی‌جان، درازو باریک، بی‌حال، کم‌رنگ یا کم‌نور، بی‌روح، شاد، روشن یا آتشگون، محکم، خشن، نا آرام، براق، آشفته، یکنواخت، زنده و شاد، منسجم، پراپهت، زشت، عالی و بی‌نقص، خوب

### ۳. زیبایی و عرفان اسلامی

طبقه‌بندی و ارزش‌گذاری برای این مقولات در عرفان اسلامی نیز، به شیوه‌های گوناگون انجام شده است و دسته‌بندی‌های مختلفی توسط اندیشمندان انجام شده است. گروه‌بندی نخست آنها را به چهار مقوله تقسیم می‌کند: ۱- جمال ۲- جلال ۳- تراژیک (حزن) ۴- کمیک (طنز) و گروه‌بندی دیگری دو مقوله به آنها افزوده است: ۵- ملاحظت ۶- زشتی (خوش‌کلام و حمزه‌نژاد، ۱۳۹۱)، بنابراین اندیشمندان اسلامی شش مقوله زیبایی‌شناسی را برای تبیین و تفسیر آثار هنری بکار برده‌اند.



نمودار ۳: تقسیم‌بندی شش‌گانه مقولات استحسانی (زیبایی‌شناسی) (منبع: خوش‌کلام و حمزه‌نژاد، ۱۳۹۱)

با این وجود مهمترین تقسیم‌بندی این که از مقولات چندگانه فوق در عرفان و زیبایی‌شناسی اسلامی وجود دارد، همان تقسیم‌بندی دوگانه «جمال و جلال» است. «دوگانه‌ای» که همواره در زیبایی‌شناسی آثار هنری اسلامی و بویژه معماری مورد نظر بوده است و به عنوان موضوع اصلی این پژوهش، ابتدا خاستگاه و چیستی این مقولات مورد تحقیق قرار می‌گیرد و سپس چگونگی تحقق آنها در معماری بیان می‌شود.

### ۱.۳. واژه‌شناسی جمال و جلال

جمال به فتح اول در لغت به معنی خوب صورت و نیکو سیرت گردیدن، خوبی و خوب شدن و ضد ضلال است. جمال نزد اهل لغت به معنای حسن و خوبی در مخلوقات خداوند و خلق آدمی است (عارف میناآباد، ۱۳۹۱: ۹۴). جلال به فتح اول در لغت به معنی بزرگی و بزرگواری است؛ و در اصطلاح، از صفاتی است که تعلق به قهر و غضب داشته و نیز به معنای بزرگی قدر و جلال، بر نهایت بزرگی قدر و شأن دلالت می‌کند (میناآباد، ۱۳۹۱: ۹۳).

جدول ۲: واژه شناسی جمال و جلال (منبع: نگارندگان)

واژگان مترادف	جمال	جلال
واژگان مترادف	حسن، خوشگلی، صباحت، قشنگی، نیکویی، وجاهت، زیبایی، خوشگلی،	احتشام، بزرگی، جاه، جبروت، حشمت، شوکت، عظمت، فر، فره، کبریا، شکوه، والایی، بزرگی
فرهنگ معین	زیبا بودن، نیک بودن، پسندیده بودنو زیبایی	بزرگی، عظمت، حشمت، جاه، شکوه
فرهنگ عمید	زیبایی، نیکو صورتی، حسن صورت، خوشگلی	بزرگی، بزرگواری، عزت و شکوه
فرهنگ دهخدا	خوب صورت و نیکوسیرت گردیدن، زیبا بودن، نیکویی، زیب، زیبایی، خوبی صورت و سیرت، خوش صورتی، زیبائی، اورنگ، افزنگ	بزرگی، کلانی، عظمت، بزرگواری، سرافرازی، جاه، بلندی رتبه، قدرت، قوت، شوکت، رونق، عزت، هیبت، وحشت

#### ۴. مفهوم جمال و جلال خداوندی

به طور مستقیم واژه جلال دو بار در قرآن کریم، در سوره الرحمن بکار رفته است و واژه جمال یک سوره نحل آمده است. مفسران، ذوالجلال را صاحب عظمت و کبریا، دارای رحمت و بخشش دانسته‌اند. به تعبیر ابن عربی جلال نعمتی است که در دل‌ها هیبت و تعظیم ایجاد می‌کند و همراه شدن با اکرام؛ بنده را از یاس از خداوند به دور می‌دارد (عارف میناآباد، ۱۳۹۱: ۹۵). بدین‌سان خداوند واجد صفات دوگانه‌ایست که جذب و دفع را تومانی در خود دارد. بارزترین مصداق این صفات دوگانه، مقوله‌های جمال و جلال هستند. در سخنی از پیامبر اکرم (ص) درباره این عبارت، جلال نام بهشتی است که بر عرش محیط است و فاصله آن با بهشتی که بندگان خدا در آن قرار دارند هفتصد سال راه است. در بخشی از دعای جوشن کبیر، جمله‌ای آمده که چکیده آموزه عرفانی جلال و جمال است: «جمال تو در همه حقایق جاری است و تنها جلال توست که آن را می‌پوشاند» (میناآباد، ۱۳۹۱: ۹۷). در بستر مفهوم تجلی، جمال و جلال تحت عنوان اسما یا نام‌های خداوند در مخلوقات متجلی می‌شوند. متفکران مسلمان سنتی اسما خداوند را به دو دسته اسما جمال و اسما جلال دسته‌بندی کرده‌اند. اسما الجمال به مغفرت و رحمت خداوند مربوط هستند. در مقابل، آن نام‌هایی که به عدل، داوری و قدرت خداوند مربوط هستند، به جلال و جبروت خداوند اشاره داشته و از اسما جلال-اند (نصر، ۱۳۸۴: ۴۹-۵۰).

جدول ۳: فهرست نام‌های جمالی و جلالی خداوند در متون اسلامی و صفات متعلقه آنها (منبع: نگارندگان)

صفات متعلقه	نام‌های خداوند (اسماء)	
حس، جذب، معرفت، رحمت	الرحمن، الرحیم، الکریم، الغفار، الغفور، الودود، الرؤوف، الرحیم، البر، الصبور، الواسع، الخالق، المصور، الرزاق، الوهاب، الفتاح، الباسط، المعز، اللطیف، المعید، المحیی، الولی، التواب، الجامع، النافع، الهادی والبدیع	اسما جمالی
قهر، دفع، عظمت، عزت، احاطه	الملك، القدوس، المهیمن، العزیز، الجبار، المتکبر، العلی، العظیم، الباطن، الکبیر، الجلیل، المتین، الصمد، المتعال، الغنی، ذوالجلال، الرقیب، القهار، القاهر، المقتدر، القوی، الحسیب، القباض، المذل، الحکم، العدل، الممیت، المنتقم، المقسط، المانع، الضار	اسما جلالی

ظهور ربوبیت الهی برای هر انسان در قالب دو گانه‌هایی است که از این دو صفت ناشی می‌شود. به‌طور مثال، پدر مظهر جلال است و مادر مظهر جمال، شب مظهر جلال است و روز مظهر جمال. صفاتی که دیگران را مجذوب می‌کند؛ مانند علم، حیات، رحمت، جود و حسن را صفات جمال می‌گویند (حمزه‌نژاد و رهروی پوده، ۱۳۹۵: ۲۴). از آنجا که جلال با احتجاب و عزت پیوند دارد، پی آمد آن از یک سو، قهر، غلبه، بلندی و دسترس ناپذیری اوست و از سوی دیگر،

خضوع، خشوع، هیبت و هراس انسان. چنان که جمال چون با نزدیکی و آشکاری پیوند دارد، پی آمد آن از یک سو لطف و رحمت و مهر و بخشش اوست و از سوی دیگر، انس و آشنایی ما (راستگو و راستگوفر، ۱۳۸۸: ۱۸۰). تجلی صفات جلالی خداوند، کبریا، قهر و هیبت است و در مقابل انس، محبت و رحمت بیانگر صفات جمالی‌اند. صفات جمالی تجلی زیبایی، جذابیت، شادی، شوق، امید و غنا هستند (سعادت جو، حمزه نژاد و نقره کار، ۱۳۹۲: ۱۷). شخصیت صفت جمال، هویت‌هایی چون لطف، رضا و رحمت را بر ملا می‌نماید و شخصیت نماد جلال، ویژگی قهر، غضب، عزت، عظمت و نعمت را بیان می‌کند (ره‌نورد، ۱۳۸۶: ۸۹). «جلال به معنای بزرگی و بزرگواری و در اصطلاح، از صفاتی است که به قهر و غضب تعلق دارد». «جمال به معنی خوب صورت و نیکوسیرت، خوبی و خوب شدن است و به رضا و لطف تعلق دارد» (حمزه‌نژاد و خراسانی، ۱۳۹۱: ۱۱۲).

اکنون با شناخت ویژگی‌های جمال و جلال می‌توان آن‌ها را با معیارهای جهانی در حوزه زیبایی شناختی مقایسه نمود و مشترکات را استخراج کرد. یکی از مهمترین دسته بندی‌های مقولات زیبایی شناختی که در بخش‌های پیشین به آن اشاره شد، توسط «رافائل د کلارک» تحت عنوان «جدول کلارک» ارائه شده است. در آن طیف وسیعی از کیفیات و صفات زیبایی شناختی بیان شده است که می‌توان با تعاریف صورت گرفته برخی از آن‌ها را جمالی و بعضی را جلالی، دانست.

جدول ۴: استخراج صفات جمالی و جلالی از ویژگی‌های زیبایی شناختی جدول کلارک (منبع: نگارندگان)

مقوله زیبایی شناختی	صفات زیبایی شناختی مرتبط
جمالی	زیبا، ظریف، دلپذیر، جذاب، قشنگ، خوش ترکیب، دلریا، شکیل، طرب انگیز، آرام و متین
جلالی	باشکوه، شکوهمند، خیره کننده، بهت آور، پویا، قدرتمند، عظیم، محکم، پرابهت، سخت، پرجرات، جسور، متکبر، قوی و عجیب و غریب

### ویژگی‌ها و شاخصه‌های معماری اسلامی

معماری اسلامی از نخستین روزهای پیدایش تا عصر حاضر، علی‌رغم تمام تحولاتی که تجربه کرده است در برخی از معانی و مفاهیم بدون تغییر مانده است. بخش عمده‌ای هنر معماری در فرهنگ اسلامی متوجه مسجد به عنوان یکی از مهم‌ترین نمادهای مذهبی در جامعه بوده است. در خصوص پیشینه هنر در قلمرو اسلام باید گفت اعراب هنر خاص خود نداشتند و به یاری عناصر هنرهای خارجی چون هنر ایران و هنر بیزانس سبک خاصی به وجود آوردند. از ویژگی‌های هنر اسلامی فقدان نقاشی و مجسمه‌سازی و اهمیت بارز معماری بود. معماری اسلامی طرح‌های اسلیمی، پیچک‌ها و طرح‌های هندسی جای خود را به مناظر طبیعت داده‌اند. ویژگی دیگر معماری اسلامی این است که تزئینات آن نوعی افزاربندی بسیار ابتدائی به گار گرفته شده است. اما وفور و غنای تزئیناتی بی‌نظیر از جمله گچ‌بری‌های چشمگیر و مرصع و همچنین مقرنس‌کاری‌ها این فقر را جبران کرده است. کاربست رنگ‌های گوناگون و طلاکاری نقش بسیار مهمی در هنر اسلامی دارد. در معماری اسلامی، گنبد‌های بزرگ و قوس‌های ضربی، قوس‌های کولی‌دار و پوشش کاشی از ایران گرفته شده است (هوگ و مارتن، ۱۳۷۵: ۱۹۵-۱۹۳). هندسه نیز از شاخصه‌های معماری اسلامی است. هندسه چه به صورت نظری و چه عملی همواره جزئی از علوم مقدس دسته‌بندی شده و جایگاه والایی در تفکر اقوام و فرهنگ‌های مختلف داشته است. این امر از وجود نظمی خاص حکایت دارد. به نحوی که ترسیم تزئینی هندسی بدون آن امکان‌پذیر نخواهد بود (منتظر و سلطان‌زاده، ۱۳۹۷: ۳۰). وحدت در هماهنگی و انسجام عالم کثرت و در نظم و توازن انعکاس می‌یابد. از سوی دیگر هنر اسلامی تجربه‌ای زیبایی شناختی از وحدت و کثرت‌های جهان است که در



این تجربه، کلیه کثرت‌ها در حوزه نظمی بدیع به وحدت تبدیل می‌شوند و از کثرت تشویش‌ها می‌گیرند و به آرامش وحدت باز می‌گردند (ره‌نورد، ۱۳۸۸: ۲۳). بررسی آثار معماری اسلامی که در مساجد، مدارس و آرامگاه‌ها و خانقاه‌ها انعکاس یافته است حاکی از نفوذ عمیق نمادها و مفاهیم زیبایی‌شناختی فرهنگ اسلامی و مؤلفه‌های زیبایی مورد نظر فرهنگ اسلامی در این بناها است.

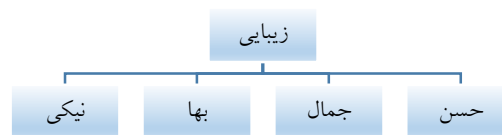
### جمال و جلال در معماری اسلامی

معماری یکی از مهمترین عرصه‌های تحقق جمال و جلال است که هم از حیث معنا (تجلی) و هم از نظر تأثیرات بر مخاطب (ادراک) قابل بررسی است. مفهوم جمال و جلال آنگاه که در یک اثر معماری متجلی می‌شوند، از یک سو بازتاب اندیشه‌های غالب یک دوران هستند و از دیگر سو با کیفیات متفاوتی که در فضا ایجاد می‌کنند، القا کننده احساس متفاوتی نیز هستند. هنرمند مسلمان در دیدی جامع‌نگر خداوند را در دو وجه جمالی و جلالی دریافته است، گاه خود را مقهور علو و عظمت پروردگار می‌پندارد و گاه خود را در دامان پر مهر لطف او می‌افکند. معماری دوران اسلامی نیز در سایه این نگرش جامع محل تلاقی و همراهی این صفات است، صورت‌هایی از جلال تا لطافت (خوش‌کلام و حمزه‌نژاد: ۱۳۹۱). در تاریخ هنر و معماری اسلامی، جمال و جلال همواره مطرح بوده و حتی تلاش شده است توضیح داده شود که چرا بر معماری دوره‌ای روح جمالی سیطره داشته و هنر و دید زیبایی‌شناسانه دوره‌ی دیگری؛ کشش به سوی صور جلالی داشته است (جعفری و انصاری، ۱۳۹۴: ۱۱). کوارنوس در رابطه با مقوله‌های جمال و جلال در هنر و زیبایی‌شناسی می‌گوید: با مقوله جلال، زیبایی باطنی بیان می‌شود و با جمال زیبایی بیرونی (ملاصالحی، ۱۳۷۷: ۲۴). معماری اسلامی با تکیه آموزه‌های اسلام توانسته هر یک از صفات جمالی و جلالی را به مقتضای مکانی‌اش، ایجاد کند (جعفری و انصاری، ۱۳۹۴: ۱۲). ابن عربی در فتوحات مکیه اعلام می‌کند که حق هرگز در صفت جلال خود برای بندگانش متجلی نمی‌شود؛ زیرا حضرت جلال دارای انوار محرقه است، بلکه تجلی او همواره در جلال جمال است (ابن-عربی، ۱۳۸۴). ویژگی بارز هنر عهد اسلامی همراهی و همسویی صورت‌های فوق است. به این معنی که در برخورد با صورت‌های جلالی آدمی متوقف و متحیر شده، صور جمالی او را قرین آرامش می‌سازند (ن. ک. خوش‌کلام و حمزه‌نژاد، ۱۳۹۱).

### ۱. جمال

صورت‌های جمالی بیشتر بر جزئیات و ظاهر تأکید دارند و به واسطه تناسب ریاضی و نظم هندسی، شناسایی می‌شوند. معنای زیبایی و جمال، حقیقتی است که در برابر آدمی بر نهاده می‌شود و موجب تحریک شهود و ذوق و یا احساس خاص زیبایی می‌گردد و یا در وضع روانی آدمی انبساطی به وجود می‌آورد (خوش‌کلام و حمزه‌نژاد، ۱۳۹۱). نمود کالبدی صفات جمالی در مساجد می‌تواند به صورت همنشینی با مخاطب، دعوت‌گری و شادی‌انگیزی باشد (سعادت‌جو، حمزه‌نژاد و نقره کار، ۱۳۹۲: ۱۷). ویژگی‌های بارز صور جمالی که آن را دیگر صور باز می‌نمایند، عبارتند از: دقت ریاضی و نظم هندسی، ایستایی، دقت در جزئیات (خوش‌کلام و حمزه‌نژاد، ۱۳۹۱). در لغت‌نامه دهخدا به «نیکویی و خوبی» اشاره شده است و یا زیب و بهاء و حالت و کیفیت زیبا را عبارت از نظم و هماهنگی می‌داند که عقل و تخیل و تمایلات عالی انسان را تحریک کند و لذت و انبساط پدید آورد و آن را امری نسبی می‌داند. همچنین در ادبیات فارسی نیز از تعبیر زیبایی در معنای «حسن» استفاده فراوان شده است. به طوری که در مجموعه غزلیات «حافظ»، واژه «زیبایی» به طور عام وجود ندارد و هر جا این معنا مورد استفاده بوده است، واژه «حسن» بجای آن آورده شده

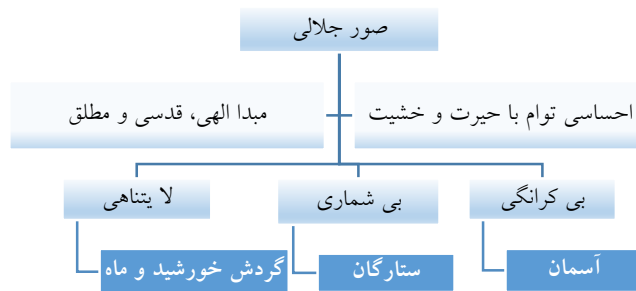
است (فائمی‌فر، ۱۳۹۵: ۳۸). «در آثار سهروردی و غزالی و دیگر عرفا نیز نیکویی دقیقاً در ترجمه حسن به کار رفته است. جمال، حسنی است که ظاهر و بارز شده و در اعیان موجودات تجلی پیدا کرده است» (تقوایی، ۱۳۸۱: ۴). در حدیثی از پیامبر نقل شده که فرمود: «خداوند احسان را بر هر موجودی فرض و واجب کرده است». به یک معنا یعنی خدا زیبایی را برای هر موجودی فرض کرده که همه حسن یا زیبا باشد و این زیبایی خود، در حقیقت تجلی جمال حق است. به همین دلیل است که در متون عرفانی هر کجا راجع به حسن سخنی گفته شده، بحث وجه‌الله است؛ مثلاً در کتاب فتوحات مکیه ابن عربی، بحث درباره زیبایی و حسن موجودات در ذیل مطلبی به نام «وجه الهی» و «جمال الهی»، طرح شده است (پازوکی، ۱۳۹۶: ۳۲). بدین‌سان در اصطلاح‌شناسی موجود در آثار عرفانی، لفظی که معنای زیبایی را می‌رساند لفظ «حُسن» است و سپس از الفاظ «جمال» و «بهاء» نیز می‌توان نام برد (پازوکی، ۱۳۹۶: ۲۳).



نمودار ۴: اصطلاح‌شناسی زیبایی در عرفان اسلامی (منبع: نگارنده)

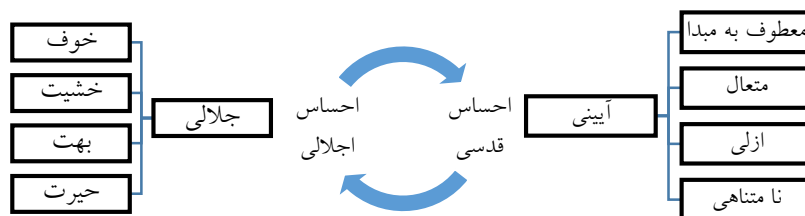
## ۲. جلال

صورت‌های جلالی محدودیت و حقارت فضاها را شکسته، با شکوه و عظمت خود بر احساس و اندیشه مخاطب غلبه نموده و فضاهای محدود مادی را با ابدیت بی‌منتها پیوند می‌زنند و با حس خوف، خشیت، حیرت و جسارت مأنوس شدن با واقعیتی عظیم و با قدرت، توأم می‌باشد (خوش کلام و حمزه‌نژاد، ۱۳۹۱). صورت‌هایی که تصور نامحدود را میسر می‌کنند و مفهوم بی‌نهایت را در مخاطب القا می‌کنند (Shaw, 2006: 119). صفات جلالی تجلی والایی، ترس، عدم تاکید بر محبت، دوستی و مهربانی، غم، بیم، فقر، ذلت و ناتوانی است و چنانچه در کالبد بنا بر سادگی فقر و فنا تاکید شود آن بنا بعد جلالی قوی تری دارد (سعادت جو، حمزه نژاد و نقره کار، ۱۳۹۲: ۱۷). بیکرانگی، بی‌شماری و لایتناهی بودن که موارد مهم بیان صور جلالی هستند، خود ریشه در مبدهی قدسی و الهی و مطلق دارند. در جهان هستی مظاهر آن، گاه در عظمت و بلندای یک موج، گاه در بیکرانگی «دریای آسمان» و چرخش و گردش پر فروغ ماه و مهر و ستارگان بی‌شمار؛ و با احساسی توأم با حیرت و خشیت تجربه می‌شود (ملاصالحی، ۱۳۷۷: ۱۷). جلالی بودن و همراه با آن با عظمت و با ابهت بودن ویژگی بارز هنرهای قدسی است و به تعبیر ملاصالحی امر متعال خود فی‌نفسه جلالی است (ن. ک. خوش کلام و حمزه‌نژاد، ۱۳۹۱). ودولف اتو در کتاب مفهوم امر قدسی، این نوع ویژگی‌ها را نومینوس نام نهاده است که کیفیتی راز آلود و خشیت آور دارند (Otto, 1923: 7).



نمودار ۵: صفات جلالی و مظاهر آنها در طبیعت (منبع: نگارندگان)

بنابراین صفات جلالی همواره با هنرهای آیینی و دینی همراه بوده‌اند و واژگانی همچون خوف، خشیت و خوف اجلالی، که برای بیان احساس یا نوعی تجربه دینی بکار رفته‌اند، در مفهوم جلال مستتراند.



نمودار ۶: رابطه احساس قدسی و جلالی (منبع: نگارندگان)

بدین‌سان جلال با نوعی ترس مقدس و دینی، که البته خوشایند و تزکیه بخش است، همراه می‌باشد. تجربه‌ای عمیق و باطنی که در مواجهه با مبدا قدسی و الهی بدست می‌آید و با آنچه که هنر و معماری امروز تحت عنوان ترس و خشونت نمود پیدا کرده است، کاملاً متفاوت است.

ادموند برک در توصیف امر والا به طریقی مشابه ترس را اصل اساسی امر والا می‌داند. مقدمه بنیادین برک این است که ترس وقتی که خیلی نزدیک نشود لذت آفرین است (Burk, 1998). از مورخان تاریخ دین، در پژوهش جامعش درباره ترس و گناه در فرهنگ غربی از قرن سیزدهم میلادی تا قرن هجدهم میلادی می‌نویسد؛ ترس، هم یک جنبه ویرانگر دارد هم یک جنبه سازنده؛ ترس هم می‌تواند شما را زمین بزند هم می‌تواند دریچه تازه و بهتری به روی جهان و رابطه‌تان با آن بگشاید (Delumeau, 1990: 555). لیوتار از توهم در زمانه معاصر سخن می‌گوید. یک توهم استعلایی که بهای آن وحشت است و قرون نوزدهم و بیستم ما را به حد اشباع از وحشت رسانیده‌اند (Lyotard, 1992: 15-16).

جدول ۵: مقایسه چگونگی تجلی و تاثیر جلال در هنر سنتی و ترس در هنر معاصر (منبع: نگارندگان)

هنر عصر کهن	هنر عصر جدید
ایمان و تدین	شناخت و تمدن
هنرهای آیینی و قدسی	هنرهای غیر الهی و غیر قدسی
تجربیات عمیق انسانی در نسبت با مبدا قدسی و الهی	زیبایی شناسی زشتی، قهر، قساوت و خشونت
شکوهمند، با وقار، وزین، با منانت	صور قهرآمیز، زشت
احساس پالایش، صفای باطن، حس زیستن	آشفته‌گی، اضطراب و اغتشاش ذهن و روح

بنابراین صور جلالی احساس و انگیزشی خاص در مخاطب ایجاد می‌کنند که اگر چه با نوعی از رعب همراه است ولی خوشایند و مطلوب است، همچنان که با التذاذ ناشی از صور جمالی نیز متمایز است. با توجه به اینکه جلال در هنر دینی و آیینی تحقق بیشتری یافته است، بناهای مذهبی شاخص و ماندگار هر عصر وجه جلالی حق را از طریق معیارهای بسیاری متجلی ساخته‌اند. معیارهای همچون تقابل عناصر متضاد، سیطره بخشی بر بخش دیگر و حدت و برجسته‌نمایی، که به خوبی در معماری محقق شده‌اند. در آثار باقیمانده از جهان باستان، بویژه آثاری که ریشه‌های آیینی بیشتری داشته‌اند، مظاهر جلالی بسیاری قابل بازشناسی هستند. از نقاشی‌های دیواره غارهای عصر دیرینه سنگی، بناهای دوره نوسنگی تا اهرام مصر، تجلی جلالی قابل توجه است.

جدول ۶: چگونگی تعیین جلال در برخی آثار جهان باستان (منبع: نگارندگان)

اثر	ویژگی‌های تعیین جلالی	تصویر
مجسمه ویلندورف	مرموز، نیروی عظیم زاینده‌گی، قدرت پر هیبت عنصر الوهی زنانه	
دهکده چتل هیوک	دیوار نگاره‌های کرکس، نیروی عظیم خوف انگیز و مرگ اور الهه مادر، اجساد کوچک و بی سر انسان مقابل منقار کرکس‌ها، تقابل عناصر متضاد: کوچک کردن اجساد و برجسته نمودن کرکس‌ها	 <p>تصویر شماره ۱: دیوار نگاره‌های چتل هیوک (url: www.alamy.com)</p>
اهرام مصر	بلندی و استواری قامت اهرام بر پستی و خمیدگی دشت	 <p>تصویر شماره ۲: اهرام مصر (منبع: <a href="https://lastsecond.ir">https://lastsecond.ir</a>)</p>
زیگورات‌های ایلامی و بین‌النهرینی	عظیم، مرموز، مقیاس فرا انسانی، ستبر و استوار	 <p>تصویر شماره ۳: زیگورات اور (منبع: <a href="http://www.goldenageproject.org.uk">www.goldenageproject.org.uk</a>)</p>

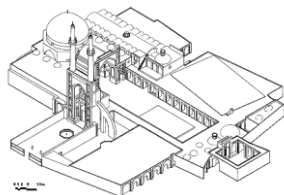
همچنین بسیاری از نمونه‌های معماری اسلامی ایران نیز، عرصه مناسبی برای ظهور مفهوم جلال شده‌اند. این تحقق در معماری، بواسطه مؤلفه‌های کالبدی خاص هر بنا و فضایی که ایجاد می‌شود، بسیار ملموس‌تر از سایر هنرها، صورت گرفته است.

جدول ۷: تحقق جلال در برخی نمونه‌های معماری اسلامی ایران (ن.ک. صالحی، ۱۳۷۷)

بخش	ویژگی‌های جلالی	بنا
گنبد خانه	حرکات موج و اوج گیرنده به مرکز گنبد تقابل تضادها (عمق و ارتفاع، کثرت و وحدت، متناهی و نامتناهی) ترکیب زنده و انداموار تداعی بی نهایت شکوه‌مند و پر وسعت	مسجد امام اصفهان
سردر	سیطره ناگهانی و غیرقابل انتظار بخشی بر بخش های دیگر قرار گرفتن در برابر یک عظمت	مسجد جامع یزد
گنبد خانه	تقابل استواری، وقار و قامت بلند در برابر دشت های پست و فراخ گنبد و گرگان تقابل خطوط افقی و عمودی حجم ساده و شکل نیرومند ارتفاع زیاد یکتایی بنا عاری از تزئینات	گنبد قابوس



تصویر شماره ۴: گنبدخانه مسجد امام اصفهان

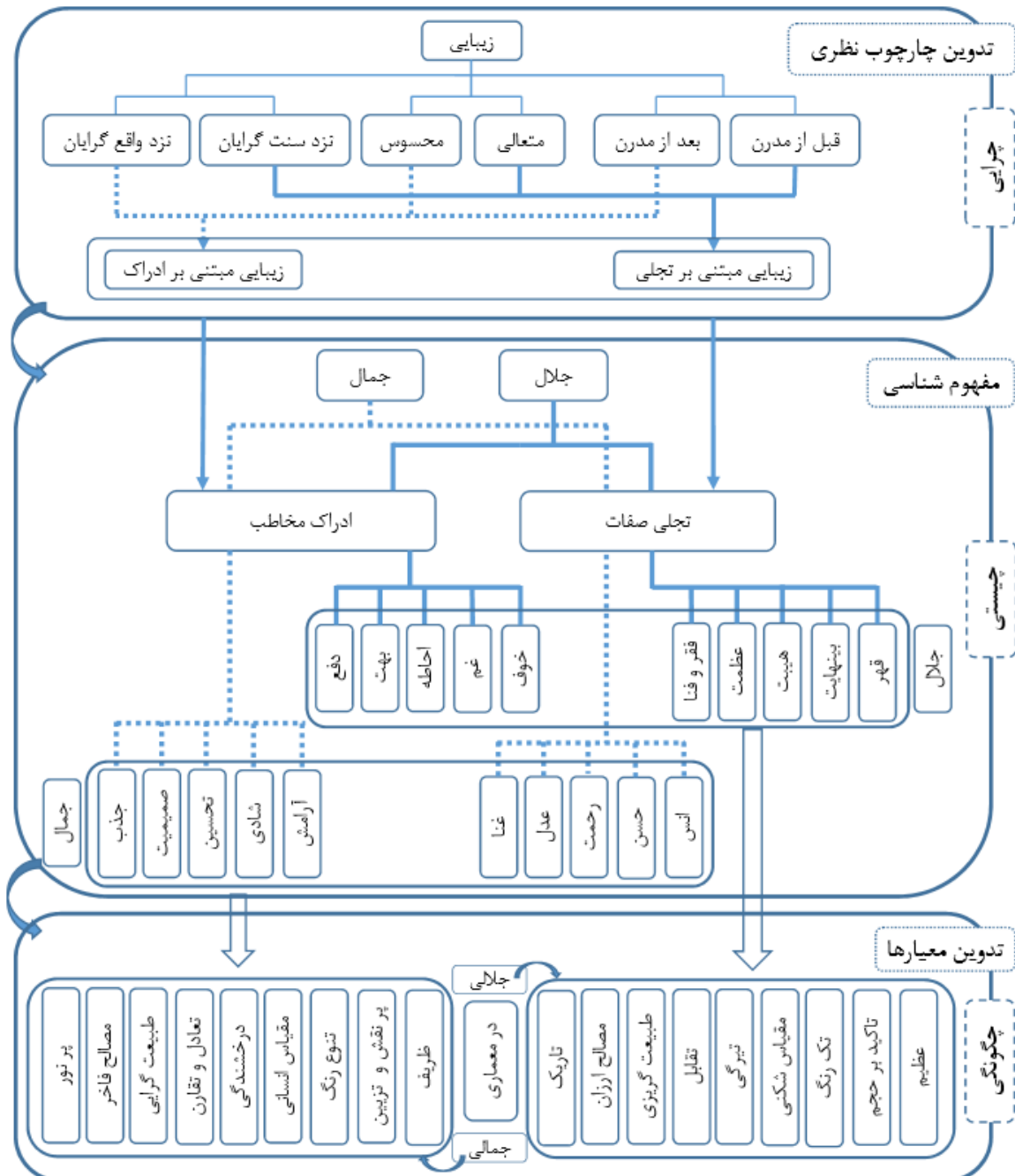


تصویر شماره ۵: مسجد جامع یزد  
url: saeedsun.ir



تصویر شماره ۶: گنبد قابوس  
url: www.tasnimnews.com

با این تفاسیر می‌توان از بررسی‌های انجام شده به این نتیجه رسید که مفهوم جمال و جلال از بنیادی‌ترین مفاهیم هنری در معماری اسلامی هستند.



نمودار ۷: مدل نهایی مقاله، تدوین چارچوب نظری، مفهوم‌شناسی و دستیابی به معیارها در معماری (منبع: نگارندگان)

### نتیجه‌گیری

معماری اسلامی به موازات فرهنگ اسلامی آمیزه‌ای جمال و جلال است. از پژوهش‌های از این دست می‌تواند به آفرینش فضاهایی منجر شود که معانی ژرف بناهای اصیل معماری اسلامی را برای مدتی به فراموشی سپرده شده است، احیا نماید. همچنین احساس خاصی که هر فضا باید ایجاد کند و تاثیری که بر نظام ادراکی مخاطب بگذارد، مبتنی بر یک بنیان نظری باشد. بدینسان هر اثر معماری بتواند به اقتضای خواست طراح و اتمسفر مورد نیاز طرح،

کیفیتی جمالی یا جلالی داشته باشد و مخاطب را در وضعیتی از پیش خواسته شده قرار دهد. همچون برانگیختگی احساسی که از حضور در فضاهای معماری گذشته ایجاد می‌شود. در یک جمع‌بندی کلی می‌توان مباحث را بدین شرح خلاصه نمود. تبیین و تعلیل موضوع، از سه‌گانه «قبل از مدرن و مدرن»، «متعالی و محسوس» و «سنت‌گرایی و واقع‌گرایی» به دو رویکرد کلی «تجلی» محور و «ادراک» محور می‌رسد که جمال و جلال ذیل این دو دیدگاه کلی هم از حیث محتوا و هم از نظر تأثیر بر مخاطب قابل تحقیق می‌باشند. در مفهوم‌شناسی جمال و جلال دو گزاره که به «چیستی» موضوع مربوط می‌شوند، بخش دیگری از مباحث مطرح شده جستجویی بود به پرسش اصلی، یعنی «چگونگی». اینکه مفاهیم جمال و جلال در هنر و بطور خاص در معماری اسلامی محقق می‌شوند. جمال تجلی صفاتی از قبیل انس، حسن، رحمت، عدل و غناست و در نظام ادراک مخاطب؛ آرامش، شادی، تحسین و صمیمیت را به همراه دارد. فضاهای جمالی روشن، پر نور، پر تزیین، ملون و فاخرند. در مقابل جلال تجلی صفاتی چون قهر، هیبت، عظمت، فقر و فنا است و باعث برانگیختن احساس خوف، غم، بهت، احاطه و دفع در نظام ادراکی مخاطب می‌شود. در معماری می‌تواند در فضاهایی تاریک، عظیم، تک رنگ، صلب و تیره محقق شود.

**منابع و مأخذ:****کتاب‌ها:**

ابن عربی، محی‌الدین. (۱۳۸۴). فتوحات مکیه. ترجمه محمد خواجوی، تهران: مولی.  
 پازوکی، شهرام. (۱۳۹۶). حکمت هنر و زیبایی در اسلام. تهران: فرهنگستان هنر.  
 نصر، سید حسین. (۱۳۸۴). جوان مسلمان و دنیای متجدد. ترجمه مرتضی اسعدی، تهران: انتشارات طرح نو.  
 هوگ، ج، مارتن، هانری. (۱۳۷۵). سبک‌شناسی هنر معماری در سرزمینهای اسلامی. ترجمه پرویز ورجاوند، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

**مقالات:**

پاکزاد، زهرا. (۱۳۹۰). "نقش دیوان و موجودات اهریمنی در نگاره‌های شاهنامه رشیدا". فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی، شماره ۲۲، صص ۳۰-۹.  
 تقوایی، ویدا. (۱۳۸۱). "از جمال‌شناسی تا زیبایی‌شناسی". هنرهای زیبا، شماره ۱۱، صص ۱۲-۴.  
 جعفرمحمدی، سمانه؛ مجتبی انصاری. (۱۳۹۴). «زیبایی‌شناسی (کمال و جمال) در معماری». دومین همایش ملی معماری، عمران و توسعه نوین شهری. ارومیه: کانون سراسری انجمن‌های صنفی مهندسان معمار ایران.  
 حمزه‌نژاد، مهدی؛ صبا خراسانی مقدم. (۱۳۹۱). «گونه‌شناسی مزارهای اسلامی در ایران، بر اساس مفاهیم قدسی تشبیه، تنزیه، جمال و جلال». مطالعات معماری ایران، دوره ۱، شماره ۲، صص ۱۲۸-۱۰۹.  
 حمزه‌نژاد، مهدی؛ رهروی پوده، ساناز. (۱۳۹۵). «گونه‌شناسی مفهومی در پرستشگاه‌های یهودیان، مسیحیان و مسلمانان در دوره صفویه اصفهان». پژوهش‌های معماری اسلامی، شماره ۱۱، صص ۳۸-۱۹.  
 خدیور، هادی؛ رجب توحیدیان. (۱۳۹۰). "تجلی جمال و جلال در دیوان حافظ". بهارستان سخن، شماره ۱۷، صص ۶۴-۳۹.  
 خوش‌کلام، فرشته؛ حمزه‌نژاد، مهدی. (۱۳۹۱). "زیبایی‌شناسی مساجد در بستر سبک‌ها از جلالت تا لطافت". همایش بین‌المللی دین در آیین هنر، همدان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان.  
 راستگو، سید محمد؛ سید فرید راستگوفر. (۱۳۸۸). "جمال جلال و جلال جمال، پژوهشی قرآنی، عرفانی، ادبی". مطالعات عرفانی، شماره ۱۰، صص ۲۰۲-۱۷۳.  
 رهنورد، زهرا. (۱۳۸۶). "جلوه‌های جمال و جلال در نگارگری و بازتاب آن در موجودات اهریمنی و مخوف". هنرهای زیبا، شماره ۲۹، صص ۹۵-۸۷.  
 سعادت‌جو، پریا؛ حمزه‌نژاد، مهدی و نقره‌کار، عبدالحمید. (۱۳۹۲). "تحلیلی بر سیر مفاهیم و الگوی کالبدی مساجد در دوره‌های چهارگانه معماری ایرانی". شهر ایرانی اسلامی، شماره ۱۳، صص ۳۰-۱۵.  
 سلیمیان، ندا. (۱۳۹۱). "تجلی صفات جلالیه و جمالیه خداوند در نقوش مسجد جامع عباسی (مسجد امام-مسجد شاه) اصفهان". پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهش هنر، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.  
 شایسته‌فر، مهناز. (۱۳۸۵). "جلال در جمال، تأثیر سیره پیامبر بر هنر نگارگری و معماری". خردنامه همشهری، شماره ۵، صص ۱۴۰-۱۱۹.  
 عارف مینا‌آباد، راهب. (۱۳۹۱). «صفات جمال و جلال از منظر کلام و عرفان اسلامی»، حبل‌المتین، پیش شماره ۲، صص ۹۲-۱۱۷.



- قائمی فر، شقایق. (۱۳۹۵). "الگوی زیبایی شناسی در معماری بر اساس دیدگاه اندیشمندان اسلامی". شباک، شماره ۶، صص ۳۷-۴۷.
- کاشفی، محمدصادق. (۱۳۹۲). "گذار زیبایی شناسی از امر زیبا به ورطه مفاهیم زیباشناختی"، کیمیای هنر، شماره ۷، صص ۴۳-۶۲.
- ملاصالحی، حکمت‌الله. (۱۳۷۵). "معماری و صور جلالی". کیهان فرهنگی، شماره ۱۳۰ و ۱۳۱، صص ۵۱-۵۹.
- ملاصالحی، حکمت‌الله. (۱۳۷۷). "صور جلالی در معماری اسلامی ایران". فارابی، شماره ۲۹، صص ۳۱-۴.
- ملاصالحی، حکمت‌الله. (۱۳۸۵). "مقوله زیبایی شناسی ظرافت و برخی از صور آن در هنر دوره صفویه". گلستان هنر. شماره ۵، صص ۱۰-۱۶.
- منتظر، بهناز؛ سلطان‌زاده، حسین. (۱۳۹۷). "بازتاب نقش پنج ضلعی منظم در نقوش هندسی معماری اسلامی". هنر اسلامی، شماره ۳۰، صص ۱۵-۳۲.

### References

- Burk, E. (1998). A Philosophical Inquiry in to the Origins of our Ideas of Sublime and Beautiful. Lonon: Oxford.
- De Clercq, R. (2008). "The Structure of Aesthetic Properties". Philosophy Compass, Vol3 (5), 895-907.
- Delumean, J. (1990). "Sin and Fear: The Emergence of Western Guilt Culture 13<sup>th</sup>-18<sup>th</sup> Centuries". trans, Eric Nicholson, New York.
- Liotard, J. (1992). "The Postmodern Explained: Correspondence 1982-1985". Translated by don Barry (trans), Bernadette Maher, Julian Pefanis, Virginia Spate and Morgan Thomas, Minneapolis: University of Minnesota Press.
- Otto, R. (1923). "The idea of the holy: an inquiry into the non-rational factor in the idea of the divine and its relation to the rational", Translated by John W. Harvey, Revised with Additions Oxford University Press, London: Milford.
- Shaw, P. (2006). "The Sublime". New York: Routledge, 119.
- Sibley, F. (1965). "Aesthetic and Non-aesthetic", Philosophical Review, vol 74, 135-159.
- Sibley, F. (2001). "Aesthetic Concepts". In John Benson, Betty Redfern & Jeremy Roxbee Cox (eds), Approach to Aesth.

